



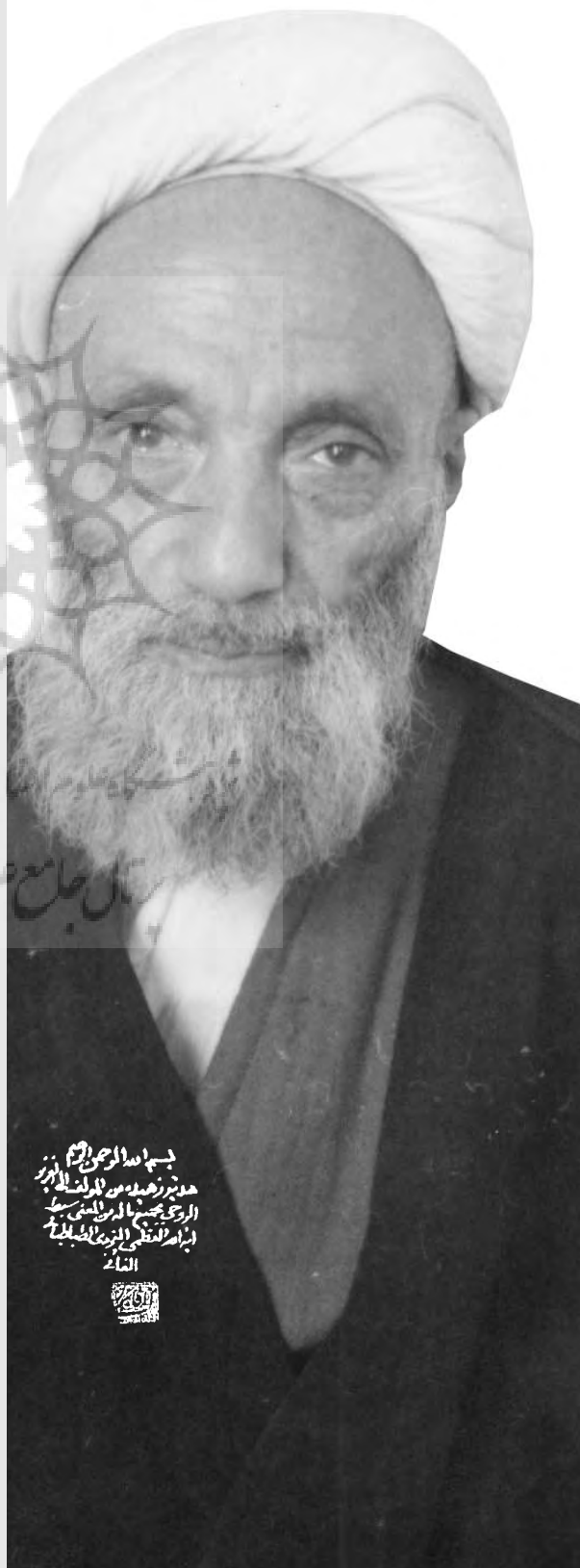
گفت و گو

شیخ آقابزرگ تهرانی در گفت و گو با احمد و علینقی منزوی

○ فریبا افکاری

مقدمه

در بعدازظهر ۲۹ مرداد ۸۲، با دو تن از فهرست‌نویسان و نسخه‌شناسان بزرگ و با تجربه ایران که سنت ارزشمند کتابشناسی را از پدر بزرگوار خود «حاج آقابزرگ» به ارث برده‌اند در دفتر نامه بهارستان که نام و محلی آشنا برای علاقه‌مندان این حوزه است به گفت‌وگو نشستیم. دکتر علینقی منزوی و استاد احمد منزوی هر دو ساده و بی‌پیرایه دعوت‌مان را برای صحبت پذیرفتند. خواستیم تا سوالات کلیشه‌ای نکنیم و جوابهای تکراری نشنویم. به همین دلیل کوشیدیم تا بیشتر به مشکلات عملی موجود در حوزهٔ نسخ خطی بپردازیم و راهکارهای اجرایی بیابیم و از طرح‌ها و پیشنهادها بهره ببریم تا جایی که پس از خواندن آن، علاقه‌مندی بر سر ذوق آید، مسئولی، دلسوزانه همراه شود، کاری از پیش برود و ما را نیز دانش افزایش دهد. در این جلسه، آقایان نادر مطلبی کاشانی، سردبیر نامه بهارستان، آقای عارف نوشاهی، فهرست‌نویس و نسخه‌شناس پاکستانی که سالها در کنار منزوی به تحقیق پرداخته است و آقای دکتر جعفری مذهب که از محققان و علاقه‌مندان نسخ خطی است حضور داشته و با طرح سوالاتی نیکو به اجرای بهتر این مصاحبه کمک کردند که از تمامی آنها سپاسگزارم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هدیه از مجموعه من المجلدات
الرقعیة بحضرة المرحوم آقا
سید ابوالفضل آقابزرگ
بنام آقا علی بن ابی طالب
علیه السلام
۱۳۸۲



علوم الاسلام» بود. او نشان داد که پایه‌گذاری هنرهای اسلام از شیعیان است. مثلاً نخستین کتاب پزشکی، کیمیا و... را شیعیان نگاشته‌اند من مدتی این کتاب را جزو برنامه درسی دانشجویانم نهاده بودم و از آن امتحان می‌گرفتم. شخص دوم محمدحسین کاشف‌الغطاء بود که کتابی در خرده‌گیری به برداشت‌های جرجی زیدان نگاشت که چاپ یکم آن در آرژانتین که عرب مسلمان مهاجر بسیار دارد انجام گرفت. سومین آنها پدرم (آقام) بود که تعهد کرده بود کتابی در تألیفات شیعه بنگارد که حاصل کارشان دو دوره کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه در ۲۹ مجلد و «طبقات اعلام الشیعه» بود. او نشان داد که اقلیت شیعی که در نظر جرجی زیدان اندک شمرده شده بود چه نقشی در فرهنگ اسلامی و حتی بشری داشته است.

افکاری: لطفاً در مورد روش کار ایشان و نوع منابعی که از آن برای نگارش الذریعه سود می‌جستند توضیح بفرمایید؟

علینقی منزوی: ایشان به همان روش سنتی خود کار می‌کردند، ابتدا یک مجلد از برگ‌های سفید را میان حروف الفبا تقسیم کردند و هر کتابی یافتند به جای خود معرفی می‌کردند، سپس دریافتند که آن یک مجلد تنگ و کم است و آن در شش مجلد به ترتیب حروف نگاشتند و این شش مجلد بود که در پاکت‌نویس و چاپ در ۲۹ مجلد

الف: کتابشناسی و فهرست‌نویسی در نجف

افکاری: جناب استاد منزوی، همیشه این سؤال برایم مطرح بوده که عالم بزرگی چون مرحوم «آقا بزرگ تهرانی» چگونه یک تنه موفق به نگارش کتابشناسی بزرگی چون «الذریعه» می‌شود؟ لطفاً برایمان توضیح بدهید که طرح چنین کاری چگونه شکل گرفت و عملی گردید؟

علینقی منزوی: حتماً آن داستان معروف را شنیده‌اید. اساس کار الذریعه از آنجایی ریخته شد که پدرم، سیدحسن صدر و شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، سه یار همکار، به این نتیجه رسیدند که کارهایی در جهت پاسخگویی به برداشت‌های جرجی زیدان انجام دهند و قراری میان خود گذاردند. این ماجرا در شرح حال پدرم تألیف عبدالرحیم، محمدعلی و در چند جای دیگر آمده است. جرجی زیدان مانند همه مسیحیان پس از رنسانس، به ملیت بیش از مذهب بها می‌داد؛ او یک مسیحی بود با اندیشه‌های تند ناسیونالیستی عرب. نوشته‌های او به زبان عربی بود و به نجف می‌رسید و تکانی به جامعه بسته آن زمان داد. کار بدین‌گونه تقسیم شد که سیدحسن صدر کتابی در پیش گامی شیعیان در همه دانش‌ها و فنون که عموماً زیر فشار مرکز خلافت عرب بود بنگارد که حاصل کارش کتاب «تأسیس الشیعه

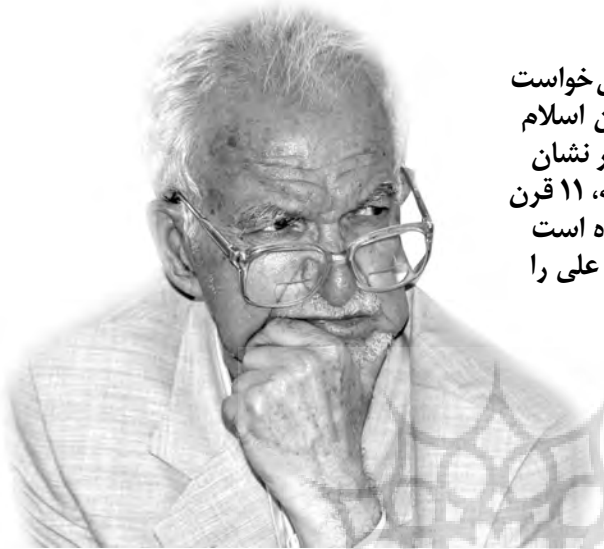


منتشر گشت و سپس ما (فرزندان) نیز فهرست اعلام ذریعه را بدان ملحق کردیم. پدرم از کتابخانه خود که منبع اصلی کارش بود استفاده می کرد. البته سفرهای زیادی به کتابخانه های عراق و ایران و کشورهای عربی کرده بود. اما ابزار اصلی همان کتابخانه شخصی خودش بود که طی سال ها جمع کرده بود، از نظر شمار اندک و تا حدود پنج هزار مجلد را دربرمی گرفت ولی از نظر کیفیت بسیار غنی بود بویژه از نظر کتاب های مرجع، رجال و تذکره که کمک زیادی به ایشان در نگارش الذریعه کرد. پدرم کتابخانه را خیلی دوست داشت و شب ها تا دیر هنگام در آن مشغول به کار بود و گاهی همانجا می خوابید. ایشان این کتابخانه را وقف کرده و وصیت کرده بود که پس از مرگ در همانجا به خاک سپرده شود و همانگونه نیز عمل گشت و طبق وصیت من متولی آن کتابخانه هستم و اکنون در همانجا زیر نظر آیت الله سیستانی می باشد.

افکاری: الذریعه برای اولین بار در کجا به چاپ رسید؟
علینقی منزوی: در همانجا. دوستان اهل فن و کتابشاسان، پس از آگاهی از کار الذریعه از پدرم خواستند تا ذریعه را به چاپ برسانند. در همین میان عموی پدرم شادروان حاج حبیب الله محسنی که از بازرگانان تهران بود و برای زیارت عتبه امامان آمده بود پانصد تومان که آن روزها پولی بسیار بود برای چاپ ذریعه داد. دوستان دیگری نیز از جمله سید محمدصادق بحر العلوم، صادق کمونه و شیخ محمدعلی اردوبادی پیشنهاد کردند که با آن پول چاپخانه ای برپا شود تا کار چاپ را همانجا انجام دهیم. چاپخانه خریداری و نام آن مطبعة السعادة گذاشته شد من نیز حروفچینی آموختم و به کار پرداختم اما رئیس دولت آن روز عراق، «نوری سعید»، بسیار تندرو بود و از اجازه دادن به ایجاد چاپخانه ای از سوی یک ایرانی مخالفت کرد. پدرم پس از

سوه همه تهرانی بوده اند.
افکاری: حال که سخن به اینجا رسید در مورد انتخاب نام فامیل منزوی نیز اشاره ای بفرمایید.

علینقی منزوی: پدرم به سامره که رفت در آنجا مشغول کار تألیف ذریعه شد و خود را گوشه نشین می دید. در سال ۱۳۲۱ خورشیدی که می خواستند برای زیارت به ایران بیایند به بغداد رفته و برای خود و خانواده شناسنامه گرفتند آنجا از ایشان خواستند که نام فامیلی برگزینند و ایشان منزوی را برگزید. این نام فامیل ایشان در شناسنامه و گذرنامه است و ما نیز همینطور. نام فامیلی ایشان قبلاً محسنی بود در عراق افراد را به شهرستان ایشان می خواندند؛ اصفهانی، قمی و ... و پدرم را به نسبت تهرانی می شناختند نه محسنی و نه منزوی. اما پس از آن نام منزوی را انتخاب کردند و این نام به ما به ارث رسیده



علینقی منزوی :

واقعیتش این است که مرحوم پدرم می خواست تشیع را نشان بدهد و تشیع را به عنوان اسلام واقعی، اسلام برتر و بهتر و قابل اجراتر نشان بدهد و لهذا در ترتیب کتاب اعلام الشیعه، ۱۱ قرن از امام غایب به این طرف را بیان کرده است یعنی شیعه‌های زمان پیامبر و حضرت علی را نیاورده است

است.

افکاری: کمی هم در مورد تدوین «اعلام الشیعه» برایمان بگوئید.
علینقی منزوی: واقعیتش این است که مرحوم پدرم می خواست تشیع را نشان بدهد و تشیع را به عنوان اسلام واقعی، اسلام برتر و بهتر و قابل اجراتر نشان بدهد و لهذا در ترتیب کتاب اعلام الشیعه، ۱۱ قرن از امام غایب به این طرف را بیان کرده است یعنی شیعه‌های زمان پیامبر و حضرت علی را نیاورده است. چون آنها صاحب تألیف و نظر و اجتهاد نبوده‌اند و حق اجتهاد نداشته، آنها بیشتر گردآورندهٔ احادیث بودند و لهذا تشیع پدرم این شکلی است. او بسیار معتقد بود تا شب مرگش هم نماز شبش ترک نشد چه برسد به نمازهای روزش.

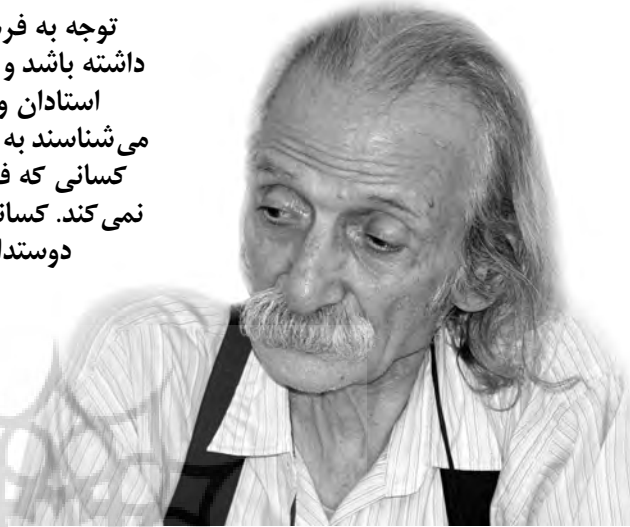
ب: فهرست نویسی در پاکستان:

کاشانی: جناب آقای نوشاهی، شما از نحوه آشنایی و همکاریتان با استاد و کار فهرست نویسی نسخ خطی در پاکستان بگوئید.
نوشاهی: من در ۱۹۷۴ در مرکز تحقیقات بودم و استاد احمد منزوی در ۱۹۷۶ آمدند. من آن وقت در آنجا به ثبت کتابهای چاپی مشغول بودم و آن دو سال پیش از حضور استاد، به کارهای کتب چاپی و تنظیم برگه‌های آنها می‌پرداختم. در اواخر مأموریت آقای تسبیحی بود که من به برگه نویسی کتب خطی مشغول شدم و بعد از آمدن استاد منزوی فهرست نویسی کتب خطی را زیر نظر استاد شروع کردم و ابتدا براساس برگه‌های تنظیمی آقای تسبیحی کار کردم. مثلاً برگه‌هایی که در جلوی نام مؤلف یا کتاب نوشته بود «ناشناخته» را بیرون می‌کشیدم و با استاد منزوی به جست‌وجو می‌پرداختم. مثلاً طب ناشناخته، عرفان ناشناخته و استاد با توجه به آگاهی و شناختی که داشتند و با رجوع به منابع آنها را شناسایی می‌کردند که برایم خیلی

جالب بود و بعدها در کار فهرست گنج بخش و فهرست مشترک با ایشان همکاری داشتم به کتابخانه‌های مختلف می‌رفتم و برگه می‌نوشتم و من آن برگه‌ها را به ایشان می‌دادم و استاد هم نظرشان را روی آن برگه می‌نوشتند و دوباره به من می‌دادند و آنها را پس از تأیید مرتب و آماده‌سازی می‌کردم. من هنوز چند تا از آن برگه‌ها را نگه داشته‌ام. دو تا از این‌ها خیلی جالب است که استاد نظر داده‌اند. روی یکی از برگه‌ها نوشته بودند: «نمکدان نیست»، یعنی همینجوری تحویل نده که هر جا آن را بگذاری و بنویسی، کمی تأمل کن و روی برگهٔ دیگر نوشته بودند «بی انصاف! کتاب خیلی مهمی است» و منظورشان این بود که من در مورد آن کتاب کوتاهی کرده بودم و به تفصیل ننوشته بودم همهٔ اینها برای من نوعی تربیت بود و از آن زمان خاطرات خیلی خوبی داشتم. ایشان روش کارشان اینگونه بود که اگر کتاب ناشناخته‌ای را می‌شناختیم جلوی جمع و در نزد همه، آفرین می‌گفتند و ما را تحسین می‌کردند که خیلی این کار تأثیر داشت و اگر از کاری خوششان نمی‌آمد سرزنش یا انتقاد می‌کردند که هر دوی این رفتار برای ما آموزنده و مهم بود. در سال ۱۹۸۲ من دیگر از مرکز به کراچی رفتم. من به جرأت می‌توانم بگویم که در هیچ کجا نه ترکیه، نه هند نه در ایران و نه در کشورهای دیگر کار فهرست مشترک انجام نشده اما بخاطر برکت وجود استاد در پاکستان این کار انجام گرفت و همکاری در تدوین فهرست مشترک پاکستان برای من واقعاً افتخار بزرگی بود. این فهرست برای استفاده نسل جدید بسیار مهم است چرا که در بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌ها، تاریخ‌نگاری و... به کار می‌آید. استاد علاوه بر راهنمایی در مسایل کاری، در مسایل شخصی نیز راهنمای خوبی برای من بودند حتی به گونه‌ای بود که ازدواج و تشکیل خانواده من زیر نظر و با مشورت ایشان انجام گرفت و ایشان

احمد منزوی:

توجه به فرهنگ ایرانی الزامی است. باید ارتباط وجود داشته باشد و قطع نشود باید کسانی که در آنجا هستند، از استادان و کسانی که اصطلاحات و فرهنگ آنجا را می‌شناسند به ایران دعوت شوند و موردحمایت قرار گیرند. کسانی که فرهنگی باشند ایرانی باشند یا نباشند فرقی نمی‌کند. کسانی که امین باشند و نسبت به فرهنگ ایرانی دوستداری و احساس همدردی داشته باشند



چه بکنیم؟

افکاری: استاد منزوی، نظر شما درباره ادامه کار فهرست‌نویسی چیست؟ آیا باید فهرست‌نویسی را به نیروهای محلی واگذار کرد یا می‌بایست نظارت و حمایتی از سوی فهرست‌نویسان ایرانی و مراکز یا موسساتی که مسئول این کار هستند وجود داشته باشد؟

احمد منزوی: توجه به فرهنگ ایرانی الزامی است. باید ارتباط وجود داشته باشد و قطع نشود باید کسانی که در آنجا هستند، از استادان و کسانی که اصطلاحات و فرهنگ آنجا را می‌شناسند به ایران دعوت شوند و موردحمایت قرار گیرند. کسانی که فرهنگی باشند ایرانی باشند یا نباشند فرقی نمی‌کند. کسانی که امین باشند و نسبت به فرهنگ ایرانی دوستداری و احساس همدردی داشته باشند. اگر آنها را دعوت کنیم و حمایت نماییم آنها هم دلگرم شده و با ما همکاری می‌کنند. من وقتی که به ایران آمدم، بیشتر مشکلات مرکز را به آقای دکتر مهاجرانی منتقل کردم و بعد ایشان لطف کرده و مرا به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی معرفی کردند. من به ایشان عرض کردم که خانه‌های فرهنگ ما باید تبلیغات فرهنگی کافی داشته باشد. باید مؤسسات فرهنگی مسئول برای تدوین فهرس‌نویسی خطی در خارج از کشور ایجاد و حمایت شوند تا بتوانیم کارهای فرهنگی خوبی انجام بدهیم.

وقتی به دایرةالمعارف و پیش آقای بجنوردی آمدم، آقای دکتر بجنوردی گفتند ما طرحی درباره کتابشناسی جهان اسلام در دست تدوین داریم و هزاران برگه نیز در این رابطه تهیه کرده‌ایم و به من اجازه دادند تا در کنار آنها به تدوین فهرست‌نویسی خطی آنجا و کار خودم پردازم. من گفتم که کتابشناسی جهان اسلام بهتر است که در

خیلی به من در این راه کمک کردند. علاوه بر آن با هم خیلی نزدیک و صمیمی بودیم در مراسم مختلف یا برای دیدن فیلم و سینما و سفرهای بسیاری در پاکستان با هم بودیم. خلاصه آنکه خاطرات مشترک بسیاری در کنار هم داریم.

افکاری: استاد با توجه به حجم فراوان نسخ خطی که در پاکستان، هند و شبه‌قاره وجود دارد و با توجه به کمبود فهرست‌نویسان نسخ خطی در آنجا، آیا بهتر نیست که ابتدا فهرستی الفبایی و مختصر یا «نامگو» از این نسخ تهیه شود و بعدها فهرست‌نویسی کامل آنها منتشر گردد؟ نظر شما چیست؟

احمد منزوی: نه، این کارهایی است که کم و بیش شده و بهتر است با وضع موجود همه را همان وقت که در دست می‌گیریم کامل کنیم و همانجا توصیفش را بنویسیم، چون تجربه نشان داده است که امکان دستیابی و برگشتن همیشه نیست.

افکاری: جناب آقای نوشاهی، بعد از آمدن استاد به ایران، روند فهرست‌نویسی در پاکستان چگونه ادامه یافت؟

نوشاهی: استادمنزوی، بنیانگذار فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در پاکستان هستند و بعد از بازگشت ایشان به ایران دیگر نه تنها کسی نیست که کار ایشان را ادامه دهد، بلکه نهضت فهرست‌نویسی نیز در پاکستان به تعطیلی کشیده شد. می‌بایست کسی کار ایشان را انجام و ادامه دهد. یا مرکزی مثل مرکز تحقیقات زبان فارسی در پاکستان می‌بایست فردی را تعیین کند تا ادامه‌دهنده این راه باشد. شما می‌دانید که در پاکستان ۳۰/۰۰۰ نسخه خطی است و آن وقت که استاد بودند تنها ۸۰۰۰ فهرست شد و هم‌اکنون ۲۲۰۰۰ نسخه خطی فهرست نشده وجود دارد که نمی‌دانیم در قبال این حجم فراوان نسخه خطی



من، تنها کوتاهی از سازمان‌های فرهنگی و دولت‌ها نیست، اینکه شما شاگرد خوب پیدا نمی‌کنید که مثلاً مثل آقای نوشاهی بیاید و مجانی درس بگیرد و کار کند و خدمت کند هم یک معضل است.
احمد منزوی: عدم بودجه کافی علت عدم اقبال است که جوانان نمی‌توانند با حقوق اندک کارمندی کنار ما بنشینند.

افکاری: استاد چگونه می‌خواهید شاگرد تربیت کنید و روش عملی آن چیست؟

احمد منزوی: درباره آموزش تئوریک برای فراهم ساختن نیروی برای نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی بارها نظر خودم را داده‌ام. تشکیل آن‌گونه کلاس‌هایی که استاد روانشاد محمدتقی دانش‌پژوه عملی کردند و از استادان آن کلاس‌ها برادر و استادم دکتر علینقی منزوی بودند ضروری و بسیار لازم است ولی همیشه اعتقاد داشته‌ام که از هر ده تخم‌گذاری که میان لبل‌ها انجام می‌گیرد، یکی از آنها به نتیجه می‌رسد و مابقی به گروه گنجشک‌ها در خواهند آمد.

با توجه به بی‌کاری بسیار در میان فارغ‌التحصیلان و شوق به داشتن مدارک بالاتر میان کارمندان شاغل، مخصوصاً برای کاستن از فشار مالی حاکم بر آنان - که حق هر کسی است - چه امیدی می‌توان بر علاقمندی و تشکیل کلاس‌های نسخه‌شناسی و کتابشناسی داشت. مگر اینکه شرایط آن را آماده کنیم. انتخاب این حرفه نیاز به ایثار بسیار دارد. ایثار مادی و معنوی، در گذشته این ناچیز با حقوق معلمی و حق‌التألیف هر عنوان کتاب که بالغ بر پنج تومان بود صاحب خانه شدم و از نظر معنوی نیز بهره‌مند بودم اما حالا از حتی یک جوان علاقمند چه انتظاری می‌توان داشت؟

جعفری مذهب: یکی از عدم علائق و انگیزه‌های روی آوردن به

سازمان‌های محلی متمرکز در هر کشور تهیه شود نه در ام‌القری که ایران باشد. باید در هند، پاکستان و... باشد چون زبان در این کشورها تنها زبان عربی، ترکی و فارسی نیست، زبان اردو ۴۰۰ میلیون جمعیت دارد. ما نمی‌توانیم اینجا بنشینیم و از اینجا درباره آنها و برای آنها تألیف کنیم، باید در خود کشورهاشان کسانی باشند که بتوانند منابع مکتوبشان را بخوانند و منتشر کنند. ما بعضی از خطوط نسخ خطی آنها را نه تنها نمی‌توانیم بخوانیم بلکه حتی نمی‌توانیم بالا و پائین صفحه آنها را بشناسیم و به دست بگیریم، این‌ها هم فرهنگ اسلامی است یعنی گجراتی، هند و اردو و زبان‌های محلی همه و همه متعلق به تمدن اسلامی هستند. اینجا باید موسساتی با کمک خود محلی‌ها و اساتید آن کشورها تشکیل شود. یک نفر در رأس باشد و ارتباطش را با ایران و فعالیت‌های فرهنگی که در این جا انجام می‌شود حفظ کند. ما باید از اطلاعاتی که از آنها می‌یابیم در اینجا کتابشناسی جهان اسلام را بنگاریم و شکل بدهیم. ما هم‌اکنون در مراکش و تونس هیچ‌کس را نمی‌شناسیم. باید محققان تونس‌ی خودشان برای خودشان فهرستی تهیه کنند و بعداً در نسل آینده، این فهرست‌ها به ایران منتقل گردد و بر آن اساس کتابشناسی‌های بزرگتری شکل بگیرد. خلاصه، این نظر من است که می‌باید از همان دانشمندان محلی و در رأسشان یکی از علاقه‌مندان که عشقشان به فرهنگ ایرانی است، استفاده شود.

ج: فهرست‌نویسی نسخ خطی، مشکلات و دورنمای آن:

جعفری مذهب: استاد، وضعیت فهرست‌نویسی نسخ خطی هم‌اکنون در سطح بین‌المللی نیز وضعیت مطلوبی نیست و به نظر



جعفری مذهب:

رده‌بندی نسخ خطی ما نه منطقی است نه فلسفی نه کلی نه جزئی، من نمی‌گوییم که رده‌بندی دیویی را بپذیریم ولی باید سرانجام فهرست‌نویسی و رده‌بندی در مرحله دوم در قالب الکترونیکی و به قول امروزی‌ها دیجیتالی شود. اگر این حالت را پیدا کند و آن روش را بکار ببرد، بازبایی اطلاعات آسانتر شده و زحمت همه ما کم می‌شود، دیروز گذشت، اما اگر امروز فهرست‌نویسی خودش را دیجیتالی نکند بازبایی آن باز هم سخت‌تر می‌شود

کار فهرست‌نویسی نسخ خطی آن است که آن شاگرد هم نگاه می‌کند به وضعیت استادش و طبیعتاً ناراحت می‌شود اما فقط به زور اینکه دولت با فرهنگ و بودجه و پول کافی و آدم جسور انتظار داشته باشیم کافی نیست، شاید لازم است که خود فهرست‌نویسها و فهرست‌نویسی نیز اندکی خودشان را تغییر دهند تا شرایط بهتر شود. فکر می‌کنم که در سطح بین‌المللی نیز همینطور شده است. اگر فهرست‌نویسی بخواهد باقی بماند باید خودش را بسازد و توانش را افزایش دهد. فهرست‌نویسی ما خودش را با شرایط روز دنیا تطبیق نداده است. یکی از روشهای جدید فهرست‌نویسی به‌ویژه رده‌بندی، تطبیق با رده‌بندی‌های موجود کتابداری دنیا است. رده‌بندی نسخ خطی ما نه منطقی است نه فلسفی نه کلی نه جزئی، من نمی‌گوییم که رده‌بندی دیویی را بپذیریم ولی باید سرانجام فهرست‌نویسی و رده‌بندی در مرحله دوم در قالب الکترونیکی و به قول امروزی‌ها دیجیتالی شود. اگر این حالت را پیدا کند و آن روش را بکار ببرد، بازبایی اطلاعات آسانتر شده و زحمت همه ما کم می‌شود، دیروز گذشت، اما اگر امروز فهرست‌نویسی خودش را دیجیتالی نکند بازبایی آن باز هم سخت‌تر می‌شود. بدین معنا که هر فهرست‌نویسی مجبور است اطلاعاتی را بخواند در حالیکه این اطلاعات اگر در یک فرمت خاص بیاید فهرست‌نویس‌های آینده ما که می‌خواهیم راغبشان کنیم که به این فن پناه ببرند و روی کنند دیگر زحمت‌های ما را نمی‌کشند. چون با یک روش نوین رده‌بندی و بازبایی مکانیکی سریع می‌توانیم بسیاری از مشکلاتی را که شما با آن مواجه بودید حل کنیم. این باعث می‌شود که فهرست‌نویس نسل جدید مشکلات نسل شما را نداشته باشد یا حداقل کمتر باشد. درواقع نسل جدید دیگر تلاشهای خود را از صفر شروع نکند. ما اگر می‌خواهیم جوان را تشویق کنیم که بیاید و با علاقمندی و حتی مجانی کار کند دیگر نباید کارهایی که ما و شما از صفر شروع کردیم از صفر شروع کند. متأسفانه تقریباً هر نسلی که کاری می‌کند از صفر شروع می‌کند یعنی ما مجبوریم همه فهرست‌ها را ببینیم. اگر فهرست‌واره شما بر اساس طرحی مثل دیویی چیده می‌شد با همکاری یک کتابدار آن را براساس تجربیات کتابداری با روش‌های نوین تطبیق می‌داد و به راحتی با حداقل وقت می‌توانستیم حداکثر تجربیات جنابعالی و برادران و تمام فهرست‌نویسان را سازماندهی کنیم. قصد من این است که بگویم تمام تقصیرها به گردن دولت و سازمان‌های فرهنگی نیست. دنیای امروز دنیای سرعت است، همه عجله دارند، در گذشته یک محقق ممکن بود به خاطر یک نسخه کوچک، ۱۲ فهرست را ببیند ولی الان ۵ دقیقه حاضر نیست پشت

کامپیوتر وقت صرف کند چون حوصله‌اش سر می‌رود و اصلاً هم نمی‌داند که شما به خاطر هرکدام از اینها چقدر زحمت کشیده‌اید. فهرست‌نویسی ما یا نخواستنه یا نتوانسته خودش را تطبیق بدهد.

احمد منزوی: نتوانسته نه نخواستنه، من شخصاً از کامپیوتر هیچ‌شناختی ندارم. برای من دیگر گذشته است، من حتی از تمام امکانات یک دستگاه کامپیوتری گوشی تلفن هم نمی‌توانم استفاده کنم. من بارها بر سر این مطلب بحث داشتم که چاپ فهرس کامپیوتری یا دیجیتالی را باید برای ۱۰-۱۵ سال آینده بگذاریم یعنی فهرست‌ها باید هم‌چنان روی نسخه کاغذی چاپ بشود نه اینکه از یک تاریخی به بعد فقط نسخه کامپیوتری آن به بازار عرضه بشود. چون پیرمردهایی مانند من هستند که توانایی اینکه کامپیوتر یاد بگیرند ندارند وانگهی برای استفاده از کامپیوتر لوازم دیگری احتیاج است... از قبیل لوازم جانبی و برنامه و... که هیچ یک از اینها به راحتی در اختیار همه نیست. در بخش دایرةالمعارف و همه کتابخانه‌ها دایره‌ای است به نام دایرة کامپیوتر که هرزگاه باید بیایند به اتاق من سر بزنند و مشکلات دستگاه‌ها را برطرف کنند. بنابراین پیشنهاد من این بوده که برای تعطیل نکردن سازمان‌هایی که در اطراف و اکناف مملکت مانند ابرقو و جندق و بسیاری از مراکز علمی دیگر که حتی کامپیوتری ندارند و به این آسانی‌ها نمی‌توانند از آن استفاده کنند، بهتر است فعلاً چاپ فهرس تا ۷۰، ۸۰ جلد به شکل مکتوب انجام شده و حتی در هم ادغام شود. چون فهرست‌های کتابخانه‌های مختلف با شیوه‌های مختلف و افراد و اندیشه‌های مختلف فصل‌بندی و تدوین شده که باید یکدست شود. بگذارید کمی کاغذ هم اینجا استفاده و حرام شود. فلان مرکز می‌گوید فهرست ما دیسکت دارد می‌گوییم دیسکت شما را در مرکز ما نمی‌تواند استفاده کنند. من خواهش می‌کنم که به این مسئله توجه شود، یادم هست استاد ایرج افشار نیز جایی فرمودند که از ایشان خواسته‌اند تا جلد ششم فهرست مقالات را کامپیوتری کنند و ایشان گفته‌اند اول مکتوب و کاغذی باید چاپ شود و بعد کامپیوتری.

جعفری مذهب: آینده فهرست‌نگاری را با این وضعیت نمی‌توان حفظ کرد.

احمد منزوی: خوب می‌دانم، ولی من چه کار کنم، من نمی‌توانم یاد بگیرم.

جعفری مذهب: استاد لازم نیست شما یاد بگیرید، دو مسئله اینجا مطرح است یکی اعتقاد و یکی توانایی. اگر فهرست‌نویسی اعتقاد داشته باشد که باید رده‌بندی داشته باشد حتماً آن را انجام می‌دهد.



کاشانی:

صحبت بر سر این است که باید به کتابداری جدید نزدیک شویم. در کتابخانه‌های ما، آنهایی که کتابداری جدید خوانده‌اند با روش‌های سنتی و نسخه‌های خطی و کتابداری سنتی کار نکرده‌اند و غریبه هستند و اصلاً اعتقادی ندارند و برعکس آنهایی که با نسخ خطی و کتابداری سنتی کار کرده‌اند اعتقادی به کتابداری جدید ندارند و نتیجه نیز همین است که می‌بینیم که فقط فاصله‌ها بیشتر شده و می‌شود و یک راه حل سومی نیز یافته نمی‌شود

خوب حالا بر این اساس، موضوعات نسخه‌های خطی را تدوین کنیم. هیچ وقت چنین اتفاقی نخواهد افتاد چرا؟ به این دلیل که آن موضوعات قابل تطبیق با نسخ خطی نیستند. همانطور که می‌فرمایید مجموعه‌ها، جنگ‌ها، و علوم قدیمه‌ای که عموماً در این رده‌ها ممکن است به این شکل امروزی تعریف نشده باشند قابل تطبیق نخواهند بود. اما یک کار را می‌توانیم انجام دهیم و آن این است که همان‌گونه که آقای دکتر جعفری مذهب و کاشانی نیز بدان اشاره داشتند که باید با روش‌های علمی، اطلاعات فهرست‌های نسخ خطی استخراج شده و با روش‌های جدید، کامپیوتری و سازماندهی شود و این اطلاعات برای استفاده نسل بعدی یا کتابداران جدید قابل جست‌وجو و تحقیق گردد.

من خود از نسلی هستم که در هر دو حوزه نسخ خطی و کتابداری جدید تحصیل و کار کرده‌ام. می‌دانم که در برخی موارد بسیاری از دیدگاه‌ها نزدیک، مشابه یا قابل تطبیق هستند. برخی موضوعات قابل تقسیم‌بندی و انعطاف می‌باشند و مسایل دیگر... اما این بدان معنا نیست که از هر طرف که هستیم دیگری را نقض کنیم یا با روش‌های نو مخالفت ورزیم.

کتابداری جدید باید با استفاده از توانایی‌هایی کاربردی و تکنولوژی خود بتواند به تجهیز و عملی‌تر شدن حوزه نسخ خطی و کتابداری سنتی با حفظ اصول و قواعد و ماهیت آن بپردازد. این بدان معنا نیست که جنابعالی، استاد حائری و دیگران، پشت کامپیوتر بنشینید و موضوعات را یک به یک در فرمت‌ها یا قالب‌های محدودی وارد کنید. اصلاً شاید این توقع بی‌جایی باشد که از فهرست‌نویسانی که با آن سنت کار کرده‌اند - که اساساً ماهیت نسخه خطی ایجاب می‌کند که به تفصیل به معرفی جنگ‌ها و مجموعه‌ها و چند موضوعی بودن برخی رسالات بپردازید و زیاد نوشته و شناخته شود - بخواهیم تا همه چیز را یک شبه و یکباره به کناری بگذارند و سرتا پا دیجیتالی شوند و شاید بتوان بدینگونه بحث را ادامه داد که جنابعالی به عنوان فهرست‌نویس، هر آنچه که می‌خواهید درباره نسخه‌ای بنویسید. اما در مرحله بعد کار را به دست کسانی بدهید که از جمله متخصصان کتابداری و کامپیوتر هستند و مسئول ورود آن اطلاعات به کامپیوتر و چاپ کتاب می‌باشند. او باید این اطلاعات تولید شده توسط شما را به شیوه‌ای مدرن ساماندهی و چاپ کند که مورد نظر شما باشد و در ضمن بتواند به فرمت‌های قابل چاپی تبدیل شود که تمام اطلاعات فهرست‌ها را بتواند جست‌وجو کند و خروجی بگیرد. مثلاً ما اگر بخواهیم نام کاتبان و یا مؤلفان نسخه‌های خطی را در یک دوره زمانی

احمد منزوی: من چگونه می‌توانم به کتاب «جامع الحکایات» که دارای همه‌چیز است یک موضوع یا رده بدهم؟ و اصولاً چه موضوعی بدهم؟

جعفری مذهب: استاد، علم کتابداری برای تمام این موضوعات فکر کرده است.

احمد منزوی: نه برای کتاب‌های قرون وسطایی نیز کاری نکرده‌اند، بلکه رده‌بندی برای کتاب‌های جدید و امروزی عملی شده است. کتابهای پیش از رده‌بندی هم اگر قرون وسطایی نبوده، رده‌بندی شده است اما کتاب‌هایی که موضوعش معلوم نیست مثلاً شامل همه موضوعات حدیث، اخلاق، سفرنامه و... است چه نمره و موضوعی بدهیم؟

جعفری مذهب: چند درصد از کتابها مگر موضوعاتشان از این دست است؟ بیش از پنجاه درصد است؟ پس پنجاه درصد بقیه را درست کنیم.

کاشانی: صحبت بر سر این است که باید به کتابداری جدید نزدیک شویم. در کتابخانه‌های ما، آنهایی که کتابداری جدید خوانده‌اند با روش‌های سنتی و نسخه‌های خطی و کتابداری سنتی کار نکرده‌اند و غریبه هستند و اصلاً اعتقادی ندارند و برعکس آنهایی که با نسخ خطی و کتابداری سنتی کار کرده‌اند اعتقادی به کتابداری جدید ندارند و نتیجه نیز همین است که می‌بینیم که فقط فاصله‌ها بیشتر شده و می‌شود و یک راه حل سومی نیز یافته نمی‌شود که علم جدید را با دانش قدیم به نحوی تلفیق کرد و نزدیک ساخت. کتابداران کتابداری جدید و پیشکسوت ما هم کوشش آنچنانی نکرده‌اند نه برای نسخه‌های خطی و نه کتابداری. اگر کوششی انجام می‌شد تاکنون می‌بایست نتیجه‌ای داده باشد و از این همه متخصصان کتابداری که از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند چیزی حاصل می‌شد که نشد. تا ۳۰ الی ۴۰ سال پیش هم آدم‌های مختلفی آمدند و رفتند، این همه کتابدار به اروپا و آمریکا سفر کردند و تحقیق نمودند اما نتیجه چه شد؟! به هر حال در کتابخانه‌های دنیا و اروپا و آمریکا نیز بخش قابل توجهی از نسخه‌های خطی وجود دارد. اگر به مقدار ایران و ترکیه و هند و پاکستان نیست به هر حال مقداری هست که بتوان برای ساماندهی آن برنامه‌ای تدوین کرد.

منزوی: در جواب باید بگویم نه! آنها هم کاری نکرده‌اند. افکاری: استاد، من با کلیت نظر دوستان موافقم، اما فکر می‌کنم که نباید این تصور برای نسخه‌شناسان و اساتید این فن به وجود بیاید که رده‌بندی‌های دیویی و LC را بگذاریم جلوی رویمان و بگوییم



نوشاهی:

بعد از آمدن استاد منزوی فهرست‌نویسی کتب خطی را زیر نظر استاد شروع کردم و ابتدا براساس برگه‌های تنظیمی آقای تسبیحی کار کردم. مثلاً برگه‌هایی که در جلوی نام مؤلف یا کتاب نوشته بود «ناشناخته» را بیرون می‌کشیدم و با استاد منزوی به جست‌وجو می‌پرداختم

طبقه‌بندی علوم گذشته صورت می‌گیرد. فکر می‌کنید آیا جا ندارد که رده‌بندی علوم را به نحوی گسترش بدهیم. یعنی همان کاری که مرحوم طاهری عراقی کرد. یکی از محسنات این کار و نتیجه‌اش در حوزهٔ نسخ خطی است. یعنی باید رده‌بندی هایمان را در ادبیات، فلسفه و تاریخ گسترش بدهیم. به هر حال امروزه موضوعات جدید را باید به هم نزدیک کرد.

علی نقی منزوی: حالا که شما این بحث‌ها را می‌کنید، آیا این کارها اجازه می‌خواهد؟

افکاری: بله، هم اجازه می‌خواهد، و هم دستورالعمل کاری و حمایت شما اساتید را می‌خواهد چه کسی باید این موضوعات را تقسیم‌بندی کند؟ طبیعتاً شما هستید و گرنه هر کس به شیوهٔ دلخواه و سلیقه‌ای خودش عمل می‌کند بعد هم می‌گوید خوب گسترش خوبی است و درست است. شاید حق هم داشته باشد چون چیزی مدون شده به عنوان معیار در اختیار ندارد.

کاشانی: غیر از آن حمایت شما را می‌طلبید.

علی نقی منزوی: این را بگویم که من هر روز با ایشان (احمد) دعوا دارم، دعوا بر سر این است که ما چیزی بلد نیستیم، چه کار بکنیم؟ و این را هم بگویم که من در این سن از دخترم و نوه‌هایم دارم کامپیوتر یاد می‌گیرم.

کاشانی: بسیار خوب است. کسان دیگری هم شروع کرده‌اند. به هر حال اگر شما دعوت کنید و بخواهید، کتابداران هم مطمئن باشید که می‌آیند و با ذوق و شوق هم می‌آیند نه به گونه‌ای که طوری رفتار شود یا دل‌سرد شوند که تا ۵۰ سال هم عقب بروند و بگویم که در کامپیوتر را ببندند.

جعفری مذهب: استاد، گاه بی‌اعتمادی اساتیدی مانند جنابعالی به کامپیوتر و توانایی‌هایش، ما را چند سال عقب می‌اندازد؟ این طور نیست؟ کاشانی: اگر اساتید فهرست‌نویسی ما بپذیرند و چراغ سبز نشان بدهند، حتماً همه استقبال می‌کنند مثلاً آقای گلپاز وقتی کار تلویزیون فهرست درهم‌کرد نسخ خطی را به شیوهٔ کامپیوتری آغاز کرد با مخالفت‌های زیادی روبرو شد، اما بعد که کاربرد و نتیجه کارش را دیدند که در یک دقیقه از کامپیوتر می‌توان ۱۰۰ مورد را جست‌وجو کرد و به دست آورد همه از آن استفاده می‌کنند.

افکاری: و این همان مقدمه‌ای است برای انجام طرح کتابنامه موضوعی بزرگ فارس استاد منزوی.

کاشانی: همانگونه که آقای دکتر جعفری گفتند ما، مؤسسات، اساتید و محققان همه در این کار به نوعی دخیل هستیم.

احمد منزوی: اشاره کردید به طرح «کتابنامه موضوعی فارسی» و

بیاییم بتوانیم از آن طریق جست‌وجو کنیم.

نوشاهی: یعنی همان کاری را که آقای گلپاز انجام داده‌اند.

افکاری: بلکه دقیقاً، یعنی قدرت جست‌وجوی همه جانبه محقق را در میان همهٔ اطلاعاتی که شما به خوبی دقیقاً جزئی‌ترین معرفی‌ها را در مورد آنها انجام داده و ثبت کرده‌اید، راهنمایی کرده و به مقصد برساند. اما این توقع نیست که فهرست‌نویسی این کار را به تنهایی و خودش انجام دهد. به دلیل آنکه اساساً مرحلهٔ دیگری غیر از کار فهرست‌نویسی نسخه‌ها است. اما سرعت و دقت انجام آن بیشتر است. البته من فکر می‌کنم که بالاخره زمان آن رسیده است که اساتید فهرست‌نویسی نیز مانند جنابعالی و دیگران موضوعات را به ترتیب الویت و تقسیم‌بندی‌های جدید تعریف کنید تا تمام موضوعات تقریباً یک دست و تعاریف از آنها روشن باشد. موضوعات را با همان کاربردی که در متون و کتب قدیم داشته‌اند و یا تاریخ علم آن زمان داشته است ترتیب دهیم اما شکل جدیدی به آن بدهیم و تدوین نماییم و به عنوان یک دستورالعمل موضوعی برای کتابداران و فهرست‌نویسان در هر کتابخانه‌ای به کار گرفته شود تا در هر جا سلیقه‌ای و شخصی عمل نشود.

مثلاً فلسفه را به جای کلام و کلام را به جای فلسفه بدهد.

احمد منزوی: آخر من نمی‌توانم کلام را در یک رساله‌ای از فلسفه جدا کنم.

افکاری: منظور من نیز، تعیین حد و مرز و تعریف همین چیزها است. بگویید کجا چه طور باید عمل شود.

احمد منزوی: چه بگویم. الان فلسفه و کلام دو مقوله‌اند، اما مثلاً روزی که کتاب تألیف شد متکلم و فیلسوف هر دو یکی بودند.

افکاری: خوب، شما امروز چه موضوعی که اخص‌تر است به آن می‌دهید؟

احمد منزوی: خوب من ناچارم امروز از روی ناگزیری و تسامح، موضوع فلسفه را برحسب مؤلف آن بگیرم که مثلاً بابا افضل کاشانی فیلسوف است اما عزیز نسفی عارف بود بعداً مثلاً بگویم که کتاب در باب وجود است یا چیز دیگر... و من کوشش می‌کنم برای اینکه زینتی داده باشم به فرهنگ‌مان، این را ببرم در فلسفه بعد در کلام که به آن رسیدم، بنویسم فلان کتاب در بخش فلسفه گذشت به آن بیفزایید.

افکاری: و یا اصلاً شاید برای کتابی در هر دو حوزه، بتوان دو موضوع تعریف کرد.

احمد منزوی: بله همین‌طور است.

کاشانی: استاد، موضوعی که امروزه به کتاب‌ها می‌دهیم براساس

کارهای دیگری که در دست دارم مایلم که درباره این آرزوهایم صحبت کنم.

از جمله کارهایی که کردم، فهرست نسخه‌های خطی دایرةالمعارف است که در ۳ جلد تهیه شده جلد اول چاپ شده و دو جلد دیگر زیر چاپ است.

۳ جلد نیز نسخه‌های عکسی موجود در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی را آماده چاپ می‌کنیم.

در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ما علاوه بر اینکه عکس تمام نسخه‌های خوب گنج بخش را داریم، اساتید نیز بنا به احتیاجشان کتاب‌هایی را از مراکز و کتابخانه‌های مختلف سفارش داده‌اند که ما از آنها عکس تهیه کردیم که ۸۰۰۰ عنوان است از تمام ایران و خارج از کشور، جلد اول این کار چاپ شده است که متعلق به کرمان است و یک طرح دیگری که دارم آن است که «اطلسی از نمونه‌های خطوط فارس و عربی و شرقی» از قدیم‌ترین نسخه‌هایی که در ریو، پاریس و... هست و نسخه‌هایی که عکس آن در مرکز موجود است تهیه کنیم. این اطلس را برحسب تشخیص خودم تهیه می‌کنم و تاریخچه و سیر خط را از محل کتابت، کاتب و تاریخ کتابت قریب به دو سطر مطلب نوشتیم که آماده است در واقع مجموعه‌ای است از خطوط شناسنامه‌دار و بی‌شناسنامه و مشخصات هر یک را نیز در فهرست‌ها آورده‌ام این یک کاری است که در دست اجازه چاپ است.

- کار دیگرم، طرح «معجم المؤلفین» فارسی است چیزی مثل کار عمر رضا کحاله، یعنی زندگی‌نامه نویسیم بلکه معرفی مختصری داشته باشیم و با تألیفاتشان و آثارشان برحسب تاریخ یا الفبایی آماده شود. من چند هزار برگه آماده کرده‌ام که امیدوارم زودتر به چاپ برسانم، اما هنوز اجازه تألیف آن را نگرفته‌ام، من اول کاری را انجام می‌دهم بعد اجازه آن را می‌گیرم.

نوشاهی: آیا این کار را براساس «فهرستواره» انجام داده‌اید؟

احمد منزوی: بله، سؤال خوبی است، چون من منبع و جای دیگری ندارم، هرچه که هست در فهرستواره هست.

نوشاهی: بله، واقعاً شما تمام اطلاعات لازم را در فهرستواره جمع کرده‌اید.

احمد منزوی: بله، تمام این اطلاعات را باید از این ۸ مجلد که نوشته‌ام پیدا کنم که مؤلف آنها معلوم است وگرنه بقیه مؤلفان را که نامعلوم است از کجا باید پیدا کنم؟

نوشاهی: در واقع اندیکسی از مؤلفان فهرستواره است با تفصیلات بیشتر.

احمدمنزوی: بله، در ضمن باید بگویم که آقای ثبوت دوجلد کتاب به من دادند که مولفش من هستم، اما برگه‌سازی آن را من نکردم، آقای عارف نوشاهی کرده است که متشکرم. الان در یک مجلد کلام و عقاید را کار می‌کنم و بعد از آن قصد دارم که به فهرستواره مثنوی‌ها که در حوزه ادبیات فارسی است بپردازم که خانم داودآبادی در این مورد به من کمک می‌کند و یک دوره کامل برگه‌سازی کرده است. بخش دیگری از کار را که مربوط به دیوان‌های اشعار می‌باشد به آقای سلیمانی داده‌ام که ایشان

برگه‌سازی می‌کنند. خیال دارم که پس از کلام، مثنوی و دیوان‌ها را کار کنم.

نوشاهی: استاد، آیا کار دیگری پس از آن ادامه خواهید داد؟

احمد منزوی: بله تفکیک نکردم که چه خواهد شد. باید یک یک ارجاعات را که در فهرست‌ها داده‌ام بنویسم، باید برای تدوین کتابنامه پیش بروم و نسخه‌ها را ببینم. الان در مرحله تهیه فهرست اختصارات هستم که از کلمه آستان قدس شروع شده و به کلمه یزد می‌رسد.

افکاری: چگونه می‌خواهید این طرح عظیم را یک تنه انجام دهید یا چاپ کنید آن هم در همه موضوعات؟

احمد منزوی: آرزویم این است که طرح کتابنامه فارسی را بنویسم در تمام موضوعات، اما این آرزویی بیش نیست چون به عمر من کفاف نمی‌دهد. این ناچیز به این اندیشه سال‌ها گام برداشتم و هرچه کوشیدم و بیشتر شنا کردم نتوانستم به آرزویم برسم و ساحل آرزو را دورتر احساس کردم تا اینکه حالا تبدیل به رویا شده است اما گاه گاهی که جرقه‌هایی از امید در من به وجود می‌آید به ادامه کار دلگرم می‌شوم. پیشنهاد می‌کنم که این طرح بزرگ را به گونه‌ای تازه و راهبردی پیاده کنیم. بدین منظور باید آن را به طرح‌های موضوعی کوچکتری تقسیم کنیم تا مؤسسات فرهنگی هر یک بسته به ماهیت خود بخش‌هایی از این کار را بر دوش بگیرند مثلاً دانشکده الهیات بخش علوم دینی یا فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بخش ادبیات را انجام دهد. خوشبختانه پیشنهادی شد از سوی موزه ملی تاریخ علوم پزشکی ایران که بخش کتابنامه پزشکی و علوم تجربی را آنها انجام دهند و چاپ کنند. من هرچه کردم، یک تنه نکردم بلکه با گروهی همکاری کردم اول از همه، این تاج افتخار را آقای جعفری در خانه فرهنگ پاکستان بر سر من نهاد و سپس مؤسسات دیگر مرا یاری دادند.

کاشانی: متأسفانه این کار انجام نشده و کارهای بزرگ را باید آدم‌های بزرگ انجام دهند و لزوماً نباید سازمان‌های بزرگ این کار را بکنند.

احمدمنزوی: بله، سازمان‌ها و مراکز کوچکتری نیز می‌توانند متولی بخش کوچکی از آن بشوند و آن را چاپ کنند من غیر از پیشنهاد دادن چه کاری می‌توانم بکنم، امیدوارم این به نتیجه برسد. من شاگردی می‌خواهم که همراه و همپای من کار کند. پا به پای من بیاید و سر ساعت بیاید و سر ساعت برود. من کارمند و دستیاری می‌خواهم که مرخصی نرود. من ۱۲ سال در پاکستان بودم حتی یک روز مرخصی نرفتم، اگر شاگردی اینچنین باشد می‌توان آن فرد را ساخت و تربیت کرد. من در پاکستان نوشاهی را ساختم و الان استاد است. اگر کسی مثل او کار کند حتماً نوشاهی می‌شود.

افکاری: امیدواریم که بر تعداد این شاگردان و علاقه‌مندان و عاشقان نسخ خطی اضافه شود و بار سنگین این مسئولیتی که شما به آنان می‌سپارید را به دوش بکشند و از اینکه وقت‌تان را در اختیار ما قرار دادید بسیار متشکرم.